

بسم الله الرحمن الرحيم

فرهنگ ترکی فارسی

صاحاح العجم

(صاحاح العجم ده تۆرکجه سۆز جوکله)

تهیه کننده: اسماعیل جعفرزاده

سومر نشر

۱۳۹۰



سورنامە	: جعفرزادە، اسماعیل، ۱۳۳۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: فرهنگ ترکی فارسی صحاح المجمع (صحاب المجمع ده تورکجه سۆزجو کلمر) / تهیه کننده اسماعیل جعفرزادە.
مشخصات نشر	: تبریز: سومر نشر ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۷۲ ص.
شابک	: 978-600-91754-8-2
وضعیت فهرست نویسی	: نیا
موضوع	: زبان ترکی -- واژه نامه ها -- فارسی
موضوع	: فارسی -- واژه نامه ها -- ترکی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰/۱۹۳PL ق-۲ ج ۷
رده بندی دیویی	: ۵۴۹۴/۳۵۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۷۱۷۱۱۲



نام کتاب : فرهنگ ترکی فارسی صحاح المجمع (صحاب المجمع ده تورکجه سۆزجو کلمر)

تهیه کننده : اسماعیل جعفرزادە

ناشر : سومر نشر

لینوگرافی و چاپ : علمیه

صحافی : نویل

نویت چاپ : نویت اول

تاریخ چاپ : ۱۳۹۰

تیراژ : ۵۰۰ جلد

تعداد صفحه : ۷۲

قطع : رقعی

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۵۴-۸-۲ (978-600-91754-8-2)

مرکز پخش : تبریز، انتشارات سومر نشر، تلفن تماس: ۰۹۱۴۳۱۱۳۶۸۰

بهاء : ۱۵۰۰ تومان

پیشگفتار

لغتنامه‌ای که در پیش‌رو هست اشاره به لغاتی دارد که هم‌اکنون در جای جای منطقه آذربایجان رواج داشته و نویسندگان در نوشته‌های خود به وفور از آنها بهره میگیرند و از طرف دیگر اشاره به واژه‌هایی دارد که در هفتصد سال پیش در میان مردم همین مرز و بوم، در تبریز و نخجوان و در بین ادیبان آن دوره بدانها سخن میراندند و کتابت میکردند.

لغات آورده شده شامل کلماتی است که از کتاب صحاح المعجم برداشته شده است و موضوعی که حائز اهمیت است اینست که در آن کتاب، واژه‌های برداشته شده نه بعنوان لغات نمونه جهت ارائه معانی آنها، بلکه جهت معنی کردن لغات فارسی و عربی و پهلوی (فارسی میانه) بکار برده شده است، به عبارتی دیگر این کلمات به منظور معنی کردن لغاتی بکار میرفت که برای نوآموزان این مرز و بوم بیگانه بوده و لذا در جای جای کتاب، هر کدام از این کلمات ترکی، دهها بار مورد استفاده قرار گرفته است و در واقع آنها رایج ترین کلمات بکار رفته در بین مردم و نویسندگان آن دوره بوده است و از این بابت جای تامل داشته و از آنجایی که در زمان کنونی نیز چنین وضعیتی مشابهی را دارا هستند میتوان گفت دانستن آنها برای هر فردی مفید خواهد بود و به عبارتی در صورت یادگیری آنها توسط هر شخص به اطمینان توان گفت که آن شخص قادر خواهد بود عمده مشکلات خود را چه در زمینه گفتار محاوره‌ای و چه در محدوده نوشتاری حل نماید.

برای اینکه خواننده آشنایی با کتاب صحاح المعجم داشته باشد ابتدا در پایین نحوه دستیابی به این کتاب بیان شده و در ادامه، مختصر اطلاعاتی در مورد زبان قدیم مردم آذربایجان و چگونگی نوشته شدن کتاب صحاح المعجم توسط "هندو شاه بن سنجر صاحبی نخجوانی" در شهر تبریز مرکز فرهنگی منطقه آورده میشود.

کتاب صحاح المعجم اولین بار توسط مرحوم غلامحسین بیگدلی به علاقه مندان ارائه گردید این کتاب توسط ایشان تنظیم، تصحیح و به شکلی که در کتاب اصلی آمده بود در سال ۱۳۶۱ در تهران توسط "مرکز تولید و انتشارات مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی" زیر نظر گروه دایره المعرفه چاپ گردید.

جهت اطلاع از نحوه دسترسی به کتاب مطالب زیر از قول مرحوم بیگلری، عینا از کتاب ذکر شده در صفحه ۵ الی ۱۵ آورده میشود:

"هندوشاه بن سنجر صاحبی نخبجویی و به قولی هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی کرانی، ملقب به فخرالدین، در نیمه دوم قرن هفتم هجری قمری می زیست و در اوایل قرن هشتم (۷۳۰ هـ.ق) دیده از جهان فروست. وی یکی از دانشمندان، مورخان، نویسندگان و مترجمان جامع الاطراف و توانای عصر خود بود که شعر نیکو نیز می سرود."

"هندوشاه زبانهای فارسی، ترکی، عربی، پهلوی (فارسی میانه) را خوب میدانسته و آثار متعددی در این زبانها تصنیف کرده است. متأسفانه تا کنون پاره‌ای از میراث ادبی وی ناشناخته مانده، از آن جمله فرهنگ گرانهای (صاح المعجم) یا (تحفه العشاق) را میتوان نام برد. "یگانه نسخه خطی این فرهنگ در شهر براتیسلاوا نگهداری میشود و همچنان که پیش از این اشاره رفت کمتر کسی از وجود چنین فرهنگی اطلاع درست و دقیقی داشت. نخستین بار، شادروان دکتر حسن زریں‌زاد تبریزی، به سال شمسی ۱۲۸۵ (م ۱۹۶۵-۱۹۶۶)، جلد اول این فرهنگ را به عالم علم و ادب معرفی کرد، وی مقاله کوتاهی در باره کشف و معرفی آن در (روزنامه بانکی) نوشت و معرفی کامل آن را به بعد موکول کرد، متأسفانه مرگ نابهنگام به او امکان نداد که به عهد خود وفا کند."

"خوشبختانه بخت یار ما بود که توانستیم اصل دستنویس این فرهنگ قدیمی را در دو جلد از کتابخانه‌های شهرهای براتیسلاوا (لهستان)، و غازان پایتخت تاتارستان به دست آوریم و بدین ترتیب، بطور دقیق تعداد لغات این فرهنگ را به دانش پژوهان عرضه کنیم."

"این فرهنگ در اصل فرهنگ دوزبانه، فارسی به ترکی است که مؤلف آن علاوه بر دو زبان اصلی از زبان و لغات عربی و پهلوی (فارسی میانه) نیز سود جست است، از این لحاظ صاح المعجم در بررسی ریشه زبانهای فارسی، پهلوی، و ترکی و سیر تکامل تدریجی و طرز تلفظ لغات زبانهای مذکور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مؤلف این اثر را چون تحفه‌ای به عاشقان و نوآموزان زبان فارسی هدیه کرده و به این سبب نام دیگر اثر خود را تحفه العشاق گذاشته است."

"یکی از برتریها و ویژگیهای این فرهنگ غنی، این است که در ضمن ابضاح کلمات، نمونه هایی از نثر ترکی آذربایجانی، متعلق به قرن هفتم و هشتم هجری به دست میدهد و این خود از لحاظ تحقیق در باره تطوّر زبان ترکی آذربایجانی حائز اهمیت است."

"جلداول این فرهنگ از لحاظ کمیت نیز از آثار پیش از خود نیز متمایز و غنی تر است؛ بدین معنی که اگر «لغت فرس» اسدی طوسی در حدود ۱۲۰۰، «تفاسیر اللغة قطران تبریزی» ۳۰۰، و «صحاح الفرس» ۲۳۰۰ لغت باشد، هندو شاه (پدر)، تنها در جلد یکم فرهنگ خود، قریب ۶۰۰ لغت جمع اوری کرده و معادل آنها را به زبان ترکی آذربایجانی داده است."

"مؤلف لفتنامه «نعمت الله» در مقدمه فرهنگ خود می نویسد صحاح المعجم عبارت از دو جلد است: قدیم و جدید. و نسخه قدیم را مختصر و نسخه جدید را مفصل مینامند."

در پایان یادآور میگردد که "هندو شاه (پدر) و همچنین پسر او هردو از لغویون و زبان شناسان متبحری بودند که در تبریز میزیستند. این پدر و پسر ضمن اینکه صاحب دیوان و شمشیر بودند از دانشمندان و هنرمندان زمان خود نیز محسوب میشدند و آثار گرانبهائی از خود به یادگار گذاشته اند."

اضافه میشود که کاری که در این کتاب یعنی فرهنگ ترکی فارسی انجام گردیده اینست که لغات ترکی که در توضیحات دو جلد صحاح المعجم آمده استخراج شده و بر اساس حروف الفبائی ترکی آذربایجانی مرتب گردیده و به عنوان یک فرهنگ و خود آموز لغات ترکی ارائه گردیده است؛ در این فرهنگ پس از ذکر لغات ترکی استخراج شده هرجایی که لازم دیده میشد اصل و شکل لغت نوشته شده در کتاب صحاح المعجم در داخل کروشه داده شده و در صورت نیاز تلفظ کلمه با حروف لاتین نوشته شده است و پس از دو نقطه معانی به زبان ترکی آذربایجانی معاصر آورده شده است، هر چند ابضاحات به زبان ترکی امروزی کفایت مطلب را میدهد ولی جهت عمومی تر شدن کتاب، در ادامه، معانی فارسی نیز در داخل پراونز قید گردیده است. در این مورد اشارت لازم است، سعی گردیده معادل های فارسی عینا از کتاب صحاح المعجم نوشته شود البته در مواردی که لغت فارسی قید شده در آنجا نامفهوم و غیر قابل فهم بود از

لغات فارسی جدید بهره‌جسته شده است. و لازم به ذکر است که لغات ترکی انتخاب شده آنهایی هستند که در کتاب واضح و خوانا می‌باشند و مسلماً لغات ییشمارى در کتاب وجود دارد که محققین میتوانند با تلاش بیشتر به آنها دست یابند. و به جرات میتوان گفت با تحقیقات فزونیتر شاید بتوان تعداد لغات و بویژه لغات ترکیبی موجود در کتاب حاضر را به دو برابر رساند.

در پایان توضیحات هر لغت، صفحائی از کتاب صحاح المعجم که لغت از آنجا برداشت گردیده نوشته شده است، البته جهت اختصار فقط به یک صفحه اشاره شده و مسلماً در صفحات دیگر صحاح المعجم نیز میتوان همان لغت را مشاهده نمود ولی جهت جلوگیری از اطاله کلام به نید نمودن فقط یک شماره بسنده شده است. جهت جدا نمودن جلد اول و دوم صحاح المعجم، در پایان شماره صفحات جلد یک از ویرگول (!) و در پایان پایان شماره صفحات جلد دو نیز از نقطه ویرگول (!) سود جسته شده است، علاقه‌مندان میتوانند CD دو جلد کتاب صحاح المعجم را به شکل PDF شده از طریق سومر نشر تهیه نمایند.

زبان مردم آذربایجان در دوران قبل از صحاح المعجم

در زیر مطالب مختصری در مورد زبان مردم آذربایجان در دوران قبل از صحاح المعجم بویژه در ارتباط با کتابهای "تاریخ طبری" و کتاب "المسالک والممالک" و ... مورد اشاره قرار می‌گیرد. یکی از اولین کتابهایی که در مورد تاریخ مردم این منطقه نوشته شده است تاریخ طبری میباشد. این کتاب توسط محمد جریر طبری نوشته شده است، طبری در سالهای ۲۲۴-۳۱۰ هجری (۸۳۹-۹۲۲ م) می زیسته است و تاریخ جهان را از ابتدای خلقت تا سالهای ۳۰۲ هجری (۹۱۵ م) در کتاب خود آورده است، بدیهی است که تاریخ قبل از اسلام با تکیه به داستانها و افسانه ها نوشته شده ولی تاریخ بعد از اسلام با دقت بیشتری تحریر شده و میتوان گفت این کتاب از معتبرترین منابع موجود در مورد تاریخ ملل مختلف منطقه در دوره های گذشته میباشد، اصل کتاب تاریخ طبری به زبان عربی نوشته شده است، ذره‌مان دوران و چند دهه بعد این کتاب در خراسان توسط وزیر سامانیان به نام ابوعلی بنعلمی به فارسی ترجمه گردید تاریخ اتمام ترجمه را سال ۳۵۵ هجری (۹۶۶ م) قید میکنند.

در این کتابها در مورد مردم آذربایجان و منسوبیت قومی و زبانی آنها اطلاعات مهم و قابل توجهی وجود دارد، که به قسمتی از آنها اشاره میشود:

نکته‌ای که ابتدا اشاره به آن ضروری است اینست که نام این منطقه در کتاب اصلی که به زبان عربی نوشته شده به شکل آذربيجان آمده است با توجه به عدم قید صائها در زبان عربی این کلمه را میتوان به صورت آذربيجان و یا آذربيجان خواند، با توجه به تلفظ کنونی این کلمه شکل دوم آن منطقی تر به نظر میرسد و در این کلمه نام طایفه آذر، کلمه بای/بی/بزرگ و ممتول) و پسوند مکان فان/جان مستر است.

نکته‌ای که قابل توجه است وقتی این کتاب در خراسان به فارسی ترجمه میشود نه فقط مطالب از عربی به فارسی برگردانده میشود حتی اسامی خاص مثل کلمه آذربيجان نیز شکل و شمایل فارسی به خود میگیرد و به صورت آذربادگان در می آید، و جالبتر اینکه در ترجمه فارسی بلعمی در قسمت مربوط به فتح آذربایجان مطالبی نیز در ارتباط با حدود جغرافیایی آذربایجان به کتاب افزوده میشود در حالیکه در کتاب طبری در این مورد مطلبی نوشته نشده است (جلد ۵، صفحه ۱۹۷۹)، این موضوع نکته مهمی را روشن میسازد و آن اینکه در آن زمان، حدود منطقه آذربایجان برای خراسانیان و حداقل برای خوانندگان زبان فارسی آن مرزبوم چندان آشنا نبود و از طرف دیگر تلفظ کلمه آذربایجان نیز برای آنها چندان راحت نبود و به این جهت آنرا با شکلی و شمایلی فارسی ارائه داده اند، البته ترجمه کلمه آذربایجان به آذربادگان در این کتاب چنین تصور اشتباهی را حتی برای تعدادی نویسندگان دوره های بعدی بوجود آورد که گویا اسم این منطقه، آذربادگان است در حالیکه این کلمه چیزی جز ترجمه کلمه آذربایجان نبوده است، البته مطلب اضافه شده در تاریخ بلعمی از نظر مستندات تاریخی اهمیت خاص خود را دارا میباشد، در این کتاب در صفحه ۵۲۹ محدوده آذربایجان را چنین مینویسد که: آذربایجان از همدان شروع شده و از ابهر و زنجان گذشته و در دربند خزران به پایان میرسد و در این میان تمامی این شهرها آذربایجان نامیده میشود.

در این کتاب (صفحه ۹۱) دوره های تاریخی را از ح آدم تا ح محمد نوشته و در بخش

دیگری به شاهان قدیمی پیشدادی اشاره میکند و دوره پادشاهی منوچهر را در زمان ح موسی و دوره حکومت بهمن شاه را در زمان ح سلیمان میداند و چنین مینویسد:

(در زمان منوچهر، حاکم یمن به آذربایجان حمله میکند و در کتاب چنین مینویسد) "و در آذربایجان به ترکان که آن سرزمین را به دست داشتند حمله برد و بسیار کس بکشت و اسیر گرفت (تاریخ طبری، جلد ۱، صفحه ۱۹۳)".

(در زمان بهمن شاه، حاکم یمن از انبار گذشته و به موصل و آذربایجان حمله میکند و در کتاب چنین مینویسد) "و از آنجا سوی موصل و آذربایجان رفت و با ترکان روبرو شد و آنها را شکست داده و مردان بکشت و زن و فرزند اسیر کرد و آنگاه به یمن بازگشت (تاریخ طبری، جلد ۲، صفحه ۴۸۳)".

از این منبع بسیار مهم میتوان دریافت که قبل از اسلام ترکان در آذربایجان حضور فعال داشتند و نحوه حملات متعدد اقوام دیگر نشان میداد که در واقع این منطقه و اقوام ساکن ترک برای هجوم کنندگان یگانه محسوب میشدند و آنها برای قتل و غارت به این منطقه حمله میکردند و سپس اینجایا ترک میکردند و مطابقت تاریخی حملات نشان میدهد که در زمان ح موسی یعنی در ۱۶۰۰ قبل از میلاد و در زمان ح سلیمان یعنی در ۷۰۰-۸۰۰ میلادی ترکان، ساکنان غالب منطقه آذربایجان بودند. نکته دیگری که در این ارتباط قابل ذکر است اینست که این حملات نه توسط پادشاهان پیشدادی بلکه توسط عاملان آنها در یمن اتفاق میافتد، هرچند مطالب کتاب به صورت افسانه بیان شده ولی به مسائل تاریخی واقعی اشاراتی دارد بدین صورت که در تاریخهای فوق هنوز اقوام آریایی در منطقه حضور نداشتند و طبق مستندات تاریخی آریاییها در ۹۰۰ سال قبل از میلاد شروع به مهاجرت به منطقه جنوب ایران نمودند و بعد از چندین قرن در ۵۵۰ قبل از میلاد سلسله هخامنشی را بوجود آوردند. کتاب های فوق‌الذکر اطلاعات ذیقیمتی در مورد ترکان دارد ولی در اینجا به مطالب فوق پسنده میشود.

در مورد زبان مردم آذربایجان در دوره حکومت خلفای اموی و عباسی اطلاعات مختلفی را از کتاب سیاحان میتوان استخراج نمود در اینجا نگاه مختصری به آنها انداخته میشود.

در کتاب "المسالک و الممالک" نوشته ابن حوقل جمله‌ای در حاشیه کتاب آمده است که در دوران حکومت پهلوی و توسط مورخان و نویسندگان تربیت یافته آنها به آنجا مختلف مورد سوء استفاده قرار گرفته است، جمله مورد نظر در کتاب فوق چنین است "و اما لسان اهل آذربایجان و اکثر اهل ارمنیه فالفارسیه تجمعهم (تجمعند) والعربیه بینهم مستعمله و قلمن بها ممن یتکلم بالفارسیه لا یفهم بالعربیه و یفصح بها من التجار و ارباب الضیاع..." نویسندگان کم سواد و یا مغرض قسمت اول پاراگراف فوق یعنی "و اما لسان اهل آذربایجان و اکثر اهل ارمنیه فالفارسیه" را برداشته و چنین تعبیر می‌کردند که زبان آذربایجان و ارمنیه فارسی است حال این‌که کلمه تجمعهم معنی دیگری را می‌دهد بدین شکل که وقتی تاجران و مالکان بزرگ آذربایجان و ارمنیه وقتی بهم میرسند و با همدیگر دیدار می‌کنند میتوانند بین خودشان از زبان فارسی و عربی فصیح استفاده کنند و به عبارت دیگر این جمله این معنی را نمیدهد که زبان مردم آذربایجان به غیر زبان ترکی است. در این ارتباط میتوان اطلاعات جامعتری را از مقاله آقای دکتر قابوسی به نام "ملاحظاتی در زبان قدیم آذربایجان" بدست آورد. مطالب فوق و همچنین اشاره کتاب الفهرست به عدم آشنایی بابک به زبان فارسی و اشاره ناصر خسرو در سفرنامه خود (قرن پنجم هجری) به اینکه قطران تبریزی نمیتوانست فارسی را خوب صحبت کند و اشارات سیاحان عرب به بیانی به غیر از فارسی در آذربایجان با نام الآذریه دلالت بر این دارد که زبان مردم آذربایجان در دوره های قبل و بعد از اسلام چیزی بجز زبان ترکی آذربایجانی نبوده است.

در زمان کنونی نیز جهت بیان فرقه‌های گفتاری و نوشتاری بین زبان ترکی استانبولی و زبان ترکی آذربایجانی از آنها با عناوین ترکی استانبولی و ترکی آذری یاد میکنند. بحث بیشتر در این زمینه خارج از موضوع کتاب بوده و به کتابهای متعددی که در این مورد نگارش شده میتوان رجوع نمود.

